

رابطه بین عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس^۱

دکتر سیروس اسدیان^۲

دکتر موسی پیری^۳

چکیده

هدف: هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین عملکرد خانواده دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس و کفایت اجتماعی آنان بود. روش: در این تحقیق از روش تحقیق همبستگی استفاده شد. جامعه آماری در برگزیده کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس بود که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل بودند. جامعه آماری این تحقیق حدود ۲۵۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استناد به جدول مورگان حدود ۳۳۵ نفر برآورد شده است که این مقدار با روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها در این پژوهش از دو نوع پرسشنامه استفاده شد که عبارتند از: الف) پرسشنامه کفایت اجتماعی، ب) ابزار سنجش خانواده مک مستر. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج زیر حاصل شد. یافته‌ها: بین عملکرد کلی خانواده با کفایت اجتماعی رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. بین نگرش مثبت در باره نقش‌های محوله و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد. بین آمیزش عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد. بین همراهی عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد. نتیجه‌گیری: می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگر بتوانیم عملکرد خانواده را بهبود بخشیم به تبع آن کفایت اجتماعی و مولفه‌های آن نیز افزایش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی:

کفایت اجتماعی، عملکرد خانواده، دانشجویان

^۱ - این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس انجام شده است.

^۲ - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس، گروه علوم تربیتی، سلماس، ایران. Email: pazhohesh_phd@yahoo.com

^۳ - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس، گروه علوم تربیتی، سلماس، ایران. SID.ir

مقدمه

مروری بر تاریخچه‌ی روان‌شناسی جوانان در گذشته نشان می‌دهد که جهت بررسی ناسازگاری و مشکلات جوانان تنها مدرسه، جامعه و یا گروه همسال را به صورت تک بُعدی مورد بررسی قرار می‌دادند و علت مشکل را در یک عامل جستجو می‌کردند. ولی دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی و جامعه‌شناسی عصر جدید بر این اصل قرار دارند که یک عامل به تنهایی تعیین‌کننده رفتار افراد نمی‌باشد، بلکه عوامل متعددی در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند و به دنبال آن هستند که سهم هر عامل را در شکل دهی رفتار تعیین نمایند.

کیسنر و کر (۲۰۰۴) معتقدند که اکثر رفتارهای انسان تابع چند عامل می‌باشند. در نتیجه، مشکل رفتاری نوجوانان و جوانان نیز از این قاعده مستثنی نیست. آنها از خانواده، همسالان و بافت‌های فرهنگی (مثل مدرسه) به عنوان عوامل چندگانه اصلی تعیین‌کننده رفتار مشکل دار نوجوانان و جوانان نام می‌برند. مثلاً، همسالان در زمان‌های مختلف می‌توانند جوانان را به سمت و سوی رفتار مشکل دار هدایت نمایند. نوع برخورد والدین در خانواده و آداب تعلیم و تربیت است که می‌تواند گرایش نوجوانان به سوی همسالان را تقویت کند و یا این که مانع از آن شود. علاوه بر آن، اکثر افرادی که نظریه‌های نوین را مطرح کرده‌اند، همچون پاترسون، راید و دیشیون (۱۹۹۲) تأثیرات والدین و همسالان را به صورت ترکیبی مورد ملاحظه قرار داده‌اند. در اکثر تحقیقات، بیشترین سهم در تعیین عوامل یک رفتار به خانواده اختصاص داده شده است. شاید به این دلیل که خانواده اولین آموزشگاهی است که فرد آن را تجربه می‌کند و غنا و محتوای آموخته‌های آن ارتباط مستقیمی با عملکرد و محتوای محیط خانواده دارد. این عملکرد نه فقط در برگزیده عواملی از قبیل امکانات رفاهی خانواده و تحصیلات والدین است، بلکه شامل رشد اخلاقی خانواده، نحوه برقراری ارتباط بین اعضاء، مناسب بودن مقررات خانواده، تقسیم نقش‌ها، نحوه برخورد اعضاء خانواده با مشکل (حل مسئله)، ابراز عواطف، رفع نیازهای عاطفی و غیره نیز می‌شود (به نقل از وینتر، ۲۰۰۰).

با توجه به رابطه منفی عملکرد خانواده و جو روانی- اجتماعی کلاس درس با ناسازگاری، این گونه به نظر می‌رسد که ضعف عملکرد خانواده باعث ایجاد عدم آرامش در فرد و ناراحتی او در جریان ارتباط با دیگران خواهد شد، زیرا فرد در ارتباط اجتماعی با دیگران حساس

بوده و از خود انتظارات منفی دارد. وقتی که فرد وارد محیط‌های اجتماعی دیگری مانند کلاس و دانشگاه می‌شود به علت احساس خجالت و راحت نبودن، احساس درک نشدن توسط دیگران، احساس دوستانه نبودن رفتار خود با دیگران، تعارض و کشمکش، بی تفاوتی، اعتماد به نفس پایین، احساس خشم، احساس طرد شدگی، سوء تفاهم، انزوا، بیگانگی، بی حوصلگی و تشویش نموده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سعی در ایجاد یک جو ناسالم و نامناسب کرده و به نوعی بر میزان ناسازگاری او افزوده خواهد شد (لی، ۲۰۰۲).

علاوه بر این تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است همگی به نوعی بر اهمیت خانواده و تأثیر آن در رفتارهای فرزندان در زمینه‌های مختلف صحنه گذاشته‌اند. پژوهش انجام شده بر روی دانشجویان ایرانی حاکی از این است که دانشجویانی که از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند دارای سلامت عمومی بیشتری بوده‌اند و رضایت بیشتری از زندگی داشته‌اند (بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۴).

مشهدی زاده در پژوهش خود که با هدف بررسی رابطه بین کارآیی خانواده و سلامت عمومی فرزندان در شهر یاسوج به شیوه پیمایشی انجام داده است، دریافت که بین کارآیی خانواده و سلامت روانی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد و دانشجویان با کارکرد خانوادگی بهتر، از سلامت روانی بهتری برخوردار هستند و دانشجویان با کارکرد خانوادگی پایین‌تر از سلامت روانی پایین‌تری برخوردار هستند (مشهدی زاده، ۱۳۸۷).

موسوی نیز در پژوهشی بر روی کودکان خانواده‌های مهاجر ایرانی و افغانی در کشور انگلستان نشان داد که عملکرد خانواده‌های افسرده در مقایسه با خانواده‌های سالم و خانواد ه‌های پریشان‌ناکارآمدتر است. خانواده‌های افسرده از همبستگی و انعطاف پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضاء ارتباط کمتری با یکدیگر داشتند (موسوی، ۱۳۸۶).

شریفی در پژوهشی بر روی دانش آموزان پسر مدارس راهنمایی اهواز نشان داد که ارضای نیازهای عاطفی نوجوانان در خانواده با سازگاری فردی-اجتماعی آنان رابطه مثبت و معناداری دارد (شریفی، ۱۳۸۶).

کاپلان و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد دارند که عامل خانواده یک عامل حیاتی در موفقیت و سازگاری دانشجویان است. نوع ارتباط در خانواده، محبت رد و بدل شده در میان فرزندان و والدین، محیط عاطفی آن و ارزش‌های والدین به عنوان ابعاد تأثیر گذار بر فرآیند تحولی فرزندان در نظر گرفته شده است.

مرور گسترده تحقیقات تجربی انجام گرفته در این زمینه که به طور خاص در جمعیت‌های دانشجویی تمرکز داشته‌اند به وضوح نشان می‌دهند که یک خوشه از مهمترین عوامل پیش بینی کننده چگونگی سازگاری دانشجویان با محیط‌های جدید مولفه‌های مرتبط با خانواده دانشجویان و ارتباط‌های خانوادگی آنها می‌باشد. به عنوان نمونه در پژوهش‌ها نشان داده شد که حمایت خانواده رابطه مثبتی با رضایت زندگی در دانشجویان و سطح پایین تری از احساسات منفی مانند تنهایی، اضطراب و افسردگی دارد (هانزبرگر، پانسر، پرات و آلسات، ۱۹۹۴، ریگو، واترینگ و تراک مارتن، ۱۹۹۳ به نقل از وینتر و یاف، ۲۰۰۰).

استریچ و برانت (۱۹۹۹) در پژوهش خود از یک نمونه ۲۰۶ نفری دانشجویان گزارش دادند که خصوصیات والدینی نقش مهمی در نوع رویکرد و نگرش دانشجویان ایفا می‌کند. در این پژوهش دانشجویان گزارش کردند که خصوصیات محیط خانواه از قبیل حمایت و محبت والدین، گفتگو و همدردی تأثیر مهمی بر موفقیت‌های آنها دارد (به نقل از وینتر و یاف، ۲۰۰۰).

استروف، فوکس و پانیک (۱۹۸۳) در تحقیقات خود در زمینه مهارت‌های هیجانی نشان دادند که چنانچه فرد در ارتباط عاطفی و کنترل هیجانی خود ناکام گردد، انطباق اجتماعی وی در مرحله رشد دچار مشکل می‌شود و پیامدهای منفی ماندگاری ایجاد می‌شود و فرد به خصوص از نظر کسب استقلال، معاشرت سازنده با گروه همسال خود، و حل کارآمد موضوع‌های مختلف دچار مشکل می‌گردد (گنجی، ۱۳۸۴: ۵۵).

فورمن و وینر (۱۹۹۴) نیز بین کیفیت روابط نوجوانان با والدین و کیفیت دوستی‌های آنان ارتباط مثبت یافته‌اند.

در بهداشت روانی اکتساب توانایی‌ها برای طی کردن مسیر رشد الزامی است که این موضوع، کفایت اجتماعی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است (استروف، ۱۹۸۴). الیوت (۲۰۰۲) معتقد است که کفایت اجتماعی در کارکرد اجتماعی و تحصیلی موفقیت آمیز افراد مهم می‌باشد و نقش حائز اهمیتی در اجتناب یا بازداری واکنش‌های منفی دیگران ایفا می‌کند (کارتلج و میلبرن، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۶۹).

بنا به گفته ترور و همکاران (۱۹۷۸ به نقل از کاول، ۱۹۹۰) اگر شخصی بتواند بر رفتار دیگران به طریقی که قصد دارد و از نظر اجتماعی مقبول است تأثیر بگذارد دارای کفایت اجتماعی است.

اما مک فال (۱۹۸۲ به نقل از کاول، ۱۹۹۰) رویکرد متفاوتی دارد و کفایت اجتماعی را یک اصطلاح ارزشی عمومی تعریف می‌کند که بر اساس ملاک‌های معین، منعکس کننده قضاوت شخص است، مبنی بر این که عملکردش در یک تکلیف اجتماعی معین شایسته باشد، بنابراین شایستگی اجتماعی وابسته به نتایج یا پیامد تعاملات اجتماعی شخص به نظر می‌رسد که با واکنش فرد دیگر مشخص می‌شود. کفایت اجتماعی در آن چه که شخص انجام می‌دهد نیست، بلکه در این است که عملکرد او چگونه توسط دیگران ارزیابی می‌شود. بنابراین بی‌کفایتی اجتماعی بیانگر ناتوانی در دستیابی به پیامدهای موفقیت آمیز یا قضاوت‌های مطلوب از جانب تعاملات اجتماعی است (داینر و کیم، ۲۰۰۴).

فلنر و همکاران (۱۹۹۰) چهار مقوله مهارت‌های شناختی، مهارت‌های رفتاری، کفایت‌های هیجانی و آماه‌های انگیزشی را به عنوان ابعاد اصلی کفایت اجتماعی معرفی کرده‌اند.

- مهارت‌های شناختی: تصمیم‌گیری و یا مهارت‌ها و توانایی‌های مربوط به قضاوت، شامل توانایی یادگیری و همچنین توانایی اکتساب اطلاعات ضروری.

- مهارت‌های رفتاری: شامل مذاکره، ایفای نقش، جرأت‌مندی، اکتساب حمایت، مهارت‌های محاوره‌ای برای شروع و تداوم مذاکره و مهارت‌های رفتار مهربانانه با دیگران.

- کفایت هیجانی: نظم بخشی و ظرفیت کنترل برانگیختگی‌های جانی و ظرفیت‌های عاطفی برای برقراری روابط مثبت با دیگران مانند ظرفیت برقراری پیوند مثبت سازنده با دیگران، ایجاد و گسترش اعتماد و روابط حمایتی دو جانبه.

- آماه‌های انگیزشی و انتظار: شامل سه حوزه جداگانه از عوامل انگیزشی و انتظار که برای رفتار با کفایت اجتماعی حائز اهمیت هستند: ساختار ارزشی فرد، سطح رشد اخلاقی فرد و احساس اثر بخشی و کنترل خود.

یکی از عوامل تأثیر گذار بر شکل‌گیری کفایت اجتماعی، خانواده و عملکرد آن می‌باشد، نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که افراد مهارت‌های ارتباطی را از خانواده می‌آموزند و در مواجهه با موقعیت‌های جدید از آنها استفاده می‌کنند (بندورا، ۱۹۷۱). یا این که نظریه سیستمی معتقد است که سیستم خانواده بر روابط دوستی افراد تأثیر گذار می‌باشد (مینوچنین، ۱۹۷۴). فورمن و وینر (۱۹۹۴) در تحقیقی بین کیفیت روابط نوجوانان با والدین و کیفیت دوستی‌های آنان ارتباط مثبت یافته‌اند. بیچ و بردی ۱۹۸۵ نشان دادند که

تعارض والدین و طلاق منجر به کاهش عزت نفس و روابط دوستانه در نوجوانان می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۰: ۴۴).

هاول و دیگران (۱۹۹۲) عملکرد خانواده را توانایی خانواده در هماهنگی یا تطابق با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تعارض‌ها و تضادها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در الگوی انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده تعریف کردند (به نقل از اسلامی، ۱۳۸۰: ۴۴). در این تحقیق برای سنجش عملکرد خانواده از مدل مک مستر استفاده شد. با کارکرد فعلی خانواده سروکار دارد نه با رشد قبلی یا مرحله تحولی کنونی آن و شیوه سنجش خانواده در این مدل به سبک مشکل محور است. این رویکرد شش جنبه کارکرد خانواده را مد نظر قرار می‌دهد: ۱- حل مسأله ۲- ارتباط ۳- نقشها ۴- همراهی عاطفی ۵- آمیزش عاطفی ۶- کنترل رفتار.

۱- حل مسأله (Problem solving): دو نوع مشکل در این سازه مشخص می‌شود؛ ابزاری که مربوط به مسائل عملی و روزمره زندگی مانند تهیه غذا و تأمین بودجه خانواده در حد کیفیت است و عاطفی که مربوط به احساسات است،

۲- ارتباط (Communication): این بعد مربوط به توانایی خانواده در تبادل اطلاعات است. در مدل مک مستر چهار نوع ارتباط شناسایی شده‌اند: ۱- ارتباط آشکار و صریح ۲- ارتباط آشکار و غیر صریح ۳- ارتباط نقابدار و صریح ۴- ارتباط نقابدار و غیر صریح (نوروزی، ۱۳۷۷: ۶۷).

۳- نقش‌ها (Roles): نقش‌ها، به رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود در مجموعه‌ای از فعالیتهای دو جانبه با سایر اعضای خانواده گفته می‌شود. ادای وظایف مستلزم تخصیص نقش مناسب به افراد می‌باشد تا اعضای خانواده امور خواسته شده را طبق نقشهای تفویض شده انجام دهند» (بارکر، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

۴) همراهی عاطفی (Affective Responsiveness): در این بعد، چگونگی واکنش عاطفی خانواده در روابطش مورد مطالعه قرار می‌گیرد (بهراری ۱۳۷۹: ۳۷).

۵) آمیزش عاطفی: این بعد به «درجه کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم» مربوط است» (بارکر، ۱۳۷۵: ۴۰-۳۸).

۶) مهار رفتار: این بعد به قواعدی که خانواده بر اساس آنها گذران امور می‌کند، مربوط می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد در این پژوهش به بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس خواهیم پرداخت. بنابراین، فرضیه‌ها به صورت زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین عملکرد خانواده با کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۲. بین توانایی حل مشکل در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۳. بین نگرش مثبت درباره نقش‌های محوله در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۴. بین آمیزش عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.
۵. بین همراهی عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش

در این تحقیق از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است. زیرا در این جا محقق به دنبال بررسی میزان رابطه بین متغیرهای عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در بر گیرنده کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس است که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل می‌باشند. حجم جامعه آماری این تحقیق حدود ۲۵۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استناد به جدول مورگان حدود ۳۰۲ نفر برآورد شده است که این مقدار با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از دو نوع پرسشنامه استفاده شد که عبارتند از:

۱- پرسشنامه کفایت اجتماعی

این پرسشنامه یک ابزار ۴۷ سوالی است که بر اساس نظریه فلنر ساخته شده است. برآورد پایایی و روایی این آزمون توسط پرندین (۱۳۸۵) در استان تهران، بر روی ۴۵۰ نفر صورت گرفته است. جهت برآورد ضریب پایایی مقیاس، از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بین دو بار اجرا (بازآزمایی) استفاده شده است. از روش آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی

درونی مقیاس و خرده مقیاس‌ها استفاده گردیده است. ضریب آلفای به دست آمده از حذف سوالاتی که همبستگی کمی با نمره کل داشتند برابر با (۰/۸۸/۴) می‌باشد، که نشان می‌دهد پرسشنامه از ضریب همسانی درونی قابل قبول و مطلوبی برخوردار است. برای استفاده از روش پایایی علاوه بر ضریب آلفا، از باز آزمایی هم استفاده شده است. پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر آزمودنی در فاصله زمانی چهار هفته اجرا گردید. ضریب همبستگی بین دو بار اجرا در باز آزمایی (۰/۸۹۹/۱) به دست آمده است. به منظور بررسی روایی پرسشنامه، روایی محتوایی و روایی سازه مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر روایی محتوایی، با توجه به پشتوانه نظریه مطرح شده توسط فلنر، از دیدگاه متخصصان روان‌شناسی و روان‌سنجی، روایی صوری و منطقی آن تأیید شده است. روایی سازه این پرسشنامه از طریق دو روش مورد بررسی قرار گرفته است. همبستگی کل مقیاس با خرده مقیاس‌ها بسیار بالا بوده و در سطح ۹۹ درصد معنا دار شده است. همچنین روایی سازه مقیاس به وسیله تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته است. مقدار کفایت نمونه گیری برابر با ۰/۸۲۶ می‌باشد، بنابراین روایی بیرونی پژوهش که نمونه‌ای از حجم نمونه مکفی است، مشاهده شده است. همچنین تمامی مقادیر مرتبط با همبستگی سوالات با کل آزمون در راستای تحلیل مولفه‌های اصلی بالاتر از ۵۰٪ قرار دارند که نشان از همبستگی بالایی بین تک تک سوالات با کل آزمون دارد.

۲- ابزار سنجش خانواده مورد نظر مک مستر

ابزار سنجش خانواده مک مستر (Family Assessment Devise (FAD)) دارای ۶۰ ماده است که برای سنجیدن عملکرد خانواده براساس الگوی مک مستر تدوین شده است. این ابزار ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده و توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش دهی، مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد. این ابزار شامل شش خرده مقیاس: حل مشکل، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و مقیاس کلی عملکرد خانواده می‌باشد.

اعتبار ابزار سنجش خانواده مورد نظر مک مستر

ضریب آلفای کل مقیاس و خرده مقیاسهای حل مشکل، نگرش مثبت، آمیزش عاطفی و همراهی عاطفی در پژوهش امینی (۱۳۷۹) به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۷۲، ۰/۶۸ و ۰/۶۵ گزارش شده است.

روایی ابزار سنجش خانواده مورد نظر مک مستر

اگر خرده مقیاس عملکرد کلی را از تجزیه و تحلیل خارج کنیم، شش خرده مقیاس دیگر این ابزار نسبتاً از استقلال برخوردارند. ابزار سنجش خانواده تا حدی دارای روایی همزمان و پیش بین است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً شصت ساله با مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داده است. به علاوه این ابزار با قدرت متمایزسازی اعضای خانواده‌های غیر بالینی در هر هفت خرده مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروهها شناخته شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی به عنوان روش اصلی تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

فرضیه اول تحقیق

بین عملکرد کلی خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد..

جدول ۱ همبستگی بین عملکرد کلی خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
عملکرد کلی خانواده	کفایت اجتماعی	۰/۵۷	٪۳۲	۰/۰۱

مطابق با جدول بالا ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین عملکرد کلی خانواده و کفایت اجتماعی ۰/۵۷ می‌باشد که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می‌باشد و ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ۳۲٪ می‌باشد. یعنی با افزایش عملکرد خانواده، کفایت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد.

ضریب تعیین بدست آمده نیز نشانگر این است که حدود ۳۲ درصد تغییرات عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان مشترک است. به عبارت دیگر ۳۲ درصد از کفایت اجتماعی دانشجویان ناشی از عملکرد خانواده می‌باشد.

آزمون فرضیه دوم تحقیق

بین توانایی حل مشکل در خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۲ همبستگی بین توانایی حل مشکل در خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
توانایی حل مشکل در خانواده	کفایت اجتماعی	۰/۴۳	٪۱۸	۰/۰۱

مطابق با جدول بالا ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین توانایی حل مشکل در خانواده و کفایت اجتماعی ۰/۴۳ می باشد که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می باشد. در ضمن ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ٪۱۸ می باشد. اگر خانواده ها در حل مشکلات خانواده فرزندان را دخیل نمایند، این امر می تواند به نحو موثری کفایت اجتماعی آنان را بالا ببرد.

ضریب تعیین بدست آمده نیز نشانگر این است که حدود ۱۸ درصد تغییرات توانایی حل مشکلات در خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان مشترک است. به عبارت دیگر ۱۸ درصد از کفایت اجتماعی دانشجویان ناشی از توانایی حل مشکلات در خانواده می باشد.

آزمون فرضیه سوم تحقیق

بین نگرش مثبت درباره نقش های محوله در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۳ همبستگی بین نگرش مثبت درباره نقش های محوله در خانواده و کفایت اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
نگرش مثبت درباره نقش های محوله	کفایت اجتماعی	۰/۴۵	٪۲۰	۰/۰۱

مطابق با جدول بالا ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین نگرش مثبت درباره نقش های محوله و کفایت اجتماعی ۰/۴۵ می باشد. که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می باشد. در ضمن ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ٪۲۰ می باشد. ضریب تعیین بدست آمده نشانگر این است که حدود ۴۵ درصد تغییرات نگرش مثبت درباره نقش های محوله و کفایت اجتماعی مشترک است.

آزمون فرضیه چهارم تحقیق

بین آمیزش عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۴ همبستگی بین آمیزش عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
آمیزش عاطفی	کفایت اجتماعی	۰/۴۷	٪۲۲	۰/۰۱

مطابق با جدول بالا ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین آمیزش عاطفی و کفایت اجتماعی ۰/۴۷ می باشد که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می باشد. در ضمن ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ۲۲٪ می باشد.

آزمون فرضیه پنجم تحقیق

بین همراهی عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول ۵ همبستگی بین همراهی عاطفی در خانواده و کفایت اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	سطح معناداری
همراهی عاطفی	کفایت اجتماعی	۰/۴۱	۱۶٪	۰/۰۱

مطابق با جدول بالا ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین همراهی عاطفی و کفایت اجتماعی ۰/۴۱ می باشد. که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می باشد. در ضمن ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ۱۶٪ می باشد.

بحث

فرضیه اول

ضریب تعیین بدست آمده نشانگر این است که حدود ۳۲ درصد تغییرات عملکرد خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان مشترک است. به عبارت دیگر ۳۲ درصد از کفایت اجتماعی دانشجویان ناشی از عملکرد خانواده‌ی آنان می باشد. این یافته مطابق با پژوهشهای زیر می باشد:

جمالی زواره (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی رابطه کارآیی خانواده با خوش بینی و سلامت روانی دانشجویان پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که بین کارآیی خانواده و سلامت روانی و بین کارآیی خانواده و نشانگان جسمانی و بین کارآیی خانواده و افسردگی، در دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین این تحقیق نشان داد که بین کارآیی خانواده و اختلال در کارکرد اجتماعی و اضطراب معنادار وجود ندارد.

همچنین مطالعه ایشتاین و همکاران (۱۹۸۳) پیرامون عملکرد و کارآیی خانواده نشان داده است که کارآیی خانواده بیشتر به ویژگی‌های نظام خانواده، شیوه‌های سنتی و الگوهای تبدالی بین اعضای آن مربوط است و نه به ویژگی‌های درون روانی یک یک اعضای خانواده. علاوه بر خانواده، آموزش و پرورش نیز نهادی اجتماعی است که می تواند در بالندگی فرد و

تبلور شخصیت وی نقش مهمی داشته باشد. بنابراین تأثیر خانواده بر رشد و بالندگی فرد و بروز رفتارهای سازگارانه و برعکس بر کسی پوشیده نیست. بنابراین نتیجه تحقیق حاضر با نتیجه تحقیقات جمالی زواره و اپشتاین و همکاران در این بعد که عدم کارآمدی خانواده می‌تواند موجبات افسردگی و اختلالات روانی دانشجویان را فراهم سازد، کاملاً همسو و یکسان است.

فرضیه دوم

ضریب تعیین بدست آمده نیز نشانگر این است که حدود ۱۸ درصد تغییرات توانایی حل مشکلات در خانواده و کفایت اجتماعی دانشجویان مشترک است. به عبارت دیگر ۱۸ درصد از کفایت اجتماعی دانشجویان ناشی از توانایی حل مشکلات در خانواده می‌باشد. این بعد مربوط به توانایی خانواده در حل مشکلات می‌باشد تا حدی که بتواند کارآیی مؤثری داشته باشد. دو نوع مشکل در این سازه مشخص می‌شود؛ ابزاری که مربوط به مسائل عملی و روزمره زندگی مانند تهیه غذا، مسکن، پوشاک و تأمین بودجه خانواده در حد کفایت است و عاطفی که مربوط به احساسات است، برای مثال: خشونت یا عدم اعتماد بین اعضای خانواده است. ظرفیت رویارویی یک خانواده با استرس و بحرانهای بالقوه اجتنابی، یکی از بهترین نشانه‌های سلامت یا اختلال خانواده است. نخستین اصل در فرایند خانواده درمانی آموختن مهارتها و توانایی حل مشکل به اعضای خانواده می‌باشد به طوری که بتوان مشکلاتی را که در آینده پیش می‌آید، نیز حل شود. در این صورت کارآیی خانواده افزایش می‌یابد. بنابراین فرزندان مشکلات را درون خانواده حل کرده، استرس و نگرانی خاصی از این بابت ندارند، در نتیجه مهارتهای سازشی آنها در خانه و مدرسه افزایش می‌یابد و وقت و انرژی بیشتری را صرف تحصیل و برنامه‌های دیگر زندگی خویش می‌نمایند. این یافته مطابق با تحقیق لازاروس (۱۹۹۷) است که می‌گوید افرادی که توان بهتری در حل مشکل دارند، تطابق بهتری با مشکلات و در نتیجه بهداشت روانی بهتری خواهند داشت.

فرضیه سوم

ضریب تعیین بدست آمده نشانگر این است که حدود ۴۵ درصد تغییرات نگرش مثبت درباره نقش‌های محوله و کفایت اجتماعی مشترک است. نقش‌ها به الگوهای تکراری رفتار افراد خانواده اطلاق می‌شود، الگوهایی که اعضا توسط آن کارکردهای خانواده را محقق

می‌سازند. به عبارت دیگر، به رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود در مجموعه‌ای از فعالیت‌های دو جانبه با سایر اعضای خانواده گفته می‌شود. ادای وظایف مستلزم تخصیص نقش مناسب به افراد می‌باشد تا اعضای خانواده امور خواسته شده را طبق نقشهای تفویض شده انجام دهند» (بارکر، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

نقشها موقعی به مؤثرترین شکل تحقق می‌یابند که در برگیرنده تمام کارکردهای ضروری خانواده باشند و بطور عادلانه نیز بین اعضا تقسیم شوند و همچنین درباره‌ی انجام وظایف اعضا پیگیری مستمر انجام گیرد و زمانی کمترین اثر را دارند که تقسیم آنها و مؤاخذه درباره نحوه انجام آنها به شدت قابل مصالحه و اغماض باشند (بهاری، ۱۳۷۹: ۳۶).

در صورتی که در خانواده تقسیم وظایف به نحو مناسبی صورت پذیرد و اعضا وظایف را عادلانه دانسته و آنها را با رضایت خاطر انجام دهند، کارکردهای خانواده به گونه ای بهتر تحقق می‌یابد و فرزندان بدون این که مشکل خاصی در خانواده داشته باشند به امور مربوط به تحصیل خود می‌پردازند.

تاکنون تحقیقی که در راستای یافته‌های این تحقیق صورت گرفته باشد، توسط محقق یافت نشده است.

فرضیه چهارم

ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده بین آمیزش عاطفی و کفایت اجتماعی ۰/۴۷ می‌باشد. که نشان از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. در ضمن ضریب تعیین بدست آمده برای این فرضیه ۲۲٪ می‌باشد. به عبارت بهتر می‌توان گفت که حدود ۴۷٪ از کفایت اجتماعی دانشجویان، ناشی از آمیزش عاطفی خانواده‌های آنهاست. در این بعد به تشریح نوع مشارکت و درگیر بودن اعضای خانواده با یکدیگر به لحاظ عاطفی پرداخته شده است. این بعد به «درجه کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم» مربوط است (بارکر، ۱۳۷۵: ۴۰-۳۸).

خانواده مسئولیت تأمین نیازهای عاطفی اعضایش را به عهده دارد و این مسئولیت زمانی کاهش می‌یابد که اعضا به آن درجه از بلوغ و مرحله رشد برسند که برخی از نیازهایشان توسط افراد خارج از خانواده برطرف گردد. این پدیده معمولاً هنگام بلوغ فرزندان واقع می‌شود. در صورتی که در خانواده مشارکت به صورت همدلانه و بر مبنای درک واقعی اعضا از نیازهای یکدیگر صورت گیرد، نیازهای عاطفی اعضا بگونه ای درست برآورده شده و افراد

در این زمینه خلأیی احساس نکرده و با آرامش خاطر و بدون استرس و نگرانی به فعالیت‌های دیگر خود از قبیل فعالیت‌های درسی می‌پردازند. تاکنون تحقیقی که در راستای یافته‌های این تحقیق صورت گرفته باشد، توسط محقق یافت نشد.

فرضیه پنجم

همان‌گونه که در داده‌های مربوط به این فرضیه مشخص گردید ضریب همبستگی محاسبه شده بین همراهی عاطفی و کفایت اجتماعی ۰/۴۱ می‌باشد که حاکی از ارتباط معنادار بین این دو متغیر می‌باشد. در این بعد، چگونگی واکنش عاطفی خانواده در روابطش مورد مطالعه قرار گرفت و این که آیا خانواده توانایی ابراز عواطف مختلف را دارد یا خیر؟ آیا واکنش‌های عاطفی‌اش متناسب با موقعیت هم به لحاظ کمی و هم کیفی است؟

توانایی خانواده در ابراز صحیح احساسات و عواطف بر رشد روانی فرزندان مؤثر بوده و در نهایت موجب می‌شود فرزندان از توانایی سازشی بالاتری نسبت به فرزندان خانواده‌هایی که فاقد چنین شیوه‌های تربیتی هستند، برخوردار باشند بنابراین پرورش اجتماعی فرزندان باید به بهترین نحو صورت گیرد و تمامی این امور تأثیر بسزایی بر فعالیتهای آموزشی و در نهایت موفقیت و پیشرفت تحصیلی آنان دارد.

این مطلب همسو با نظر سان تروک است که عقیده دارد عامل بسیار مهمی که تأثیر زندگی خانوادگی را مشخص می‌کند، فضای عاطفی روانی موجود در این محیط و تقویت مداوم رفتارها از طرف خانواده در حساس‌ترین سال‌های حیاتی زندگی فرد، یعنی، دوران جوانی است. همچنین استروف، فوکس و پانکیک، در تحقیقات خود در زمینه مهارت‌های هیجانی نشان دادند که چنان چه فرد در ارتباط عاطفی و کنترل هیجانی خود ناکام گردد، انطباق اجتماعی وی در مرحله رشد دچار مشکل می‌شود و پیامدهای منفی ماندگاری ایجاد می‌شود و فرد بویژه از نظر کسب استقلال، معاشرت سازنده با گروه همسال خود، و حل کارآمد موضوع‌های مختلف دچار مشکل می‌گردد (گنجی، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

نتایج تحقیق بر این نکته مهم تأکید دارد که عملکرد خانواده می‌تواند بر کفایت اجتماعی تأثیر گذار باشد. به عنوان مثال می‌توان به مشارکت فرزندان در تمامی مراحل تصمیم‌گیری اشاره نمود. بنابراین توصیه می‌شود که خانواده‌ها در جهت افزایش کفایت اجتماعی فرزندان خود از نظرات آنان استفاده نمایند و ملاکهای خانواده کار را رعایت کنند. پیشنهاد می‌شود که ارگان‌ها و سازمان‌های مربوطه روی آموزش خانواده در زمینه‌ی متغیرهای مربوط به

عملکرد خانواده که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، سرمایه گذاری کنند و به آموزش آنها بپردازند تا به تبع آن کفایت اجتماعی فرزندان نیز دستخوش تغییر گردد. رسانه‌های مختلف در این زمینه نقش اساسی بر عهده دارند و این موضوع می‌تواند جزء اولویت‌های آنها به حساب آید. دانشگاه‌ها نیز می‌توانند در زمینه‌ی آموزش والدین دانشجویان برنامه ریزی‌های منسجمی انجام دهند.

Archive of SID

منابع

الف - فارسی

۱. اسلامی، عبدالله. (۱۳۸۰). بررسی رابطه ساختار تعاملات درون خانواده با سبک‌های مقابله با فشار روانی و تفاوت‌های جنسیتی در دانش آموزان پیش دانشگاهی کاشان. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۲. امینی، فریده. (۱۳۷۹). مقایسه عملکرد خانواده دو گروه دانش آموزان دختر مستقل و وابسته تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
۳. بارکر، فیلیپ. (۱۹۸۵). خانواده درمانی پایه. (ترجمه محسن دهقانی وزهره دهقانی ۱۳۸۲). تهران: انتشارات رشد.
۴. بهاری، فرشاد (۱۳۷۹). ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوجهای غیر طلاق و زوجهای در حال طلاق مرجوعی به بخش روانپزشکی سازمان پزشکی قانونی، رساله کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم.
۵. پرندین، شیما. (۱۳۸۵). ساخت و هنجار آزمون کفایت اجتماعی در نوجوانان شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. جمالی زواره، نسرین. (۱۳۸۷). بررسی رابطه کارایی خانواده با خوش بینی و سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه آزاد شهر زواره. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. کارتلج، میلیرن. (۱۳۶۹). آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان. (ترجمه محمد حسین نظری نژاد). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. گنجی، مهدی. (۱۳۸۴). هوش هیجانی. تهران: انتشارات ساوالان.
۹. شریفی، امین (۱۳۸۶). بررسی رابطه ارضای نیازهای عاطفی با سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم مدارس راهنمایی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران.
۱۰. نوروزی، مجید. (۱۳۷۷). تأثیر کارایی خانواده در ابتلا به اختلال روانی نوجوانان گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۱۱. نادری، عزت‌الله، سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۸۲). روش تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن. تهران: انتشارات بدر.
۱۲. مشهدی زاده، م (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان در دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱. پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۳. موسوی، اشرف السادات. (۱۳۸۶). تأثیر عملکرد نظام خانواده بر بهداشت روانی اعضای خانواده. مجله اندیشه و رفتار. سال ۶ شماره‌های ۲۲ و ۲۳، صص ۸۷ تا ۹۶.

ب- انگلیسی

1. Bandura, A. (1971). **Social learning theory**. New York: General Learning Press.
2. Cavell, T. A. (1990). **Social adjustment, Social performance and Social skills**. Journal of clinical child psychology, No: 19, pp:111-122.
3. Diner, M. L., Kim. D. (2004). **Maternal and child predictors of preschool Children's social competence**. Journal of Applied developmental Psychology Vol.:25, pp:3-24.
4. Elliot, S. N. (2002). **New direction in social skills assessment and intervention for elementary and middle school student**. Exception (vol 9). Issue I, p19.
5. Felner, R. D. Laase, A. M. Philip, S. R. S.C. (1990). **Social Competence and the language of adequacy matter for psychology**.
6. Furman, W., & Wehner, E. A. (1994). Romantic views: Toward a theory of adolescent romantic relationships. In R. Montmayer (Ed.), *Advances in adolescent development: Vol. 6*.
7. Furman, W., & Wehner, E. A. (1994). **Romantic views: Toward a theory of adolescent romantic relationships**. In R. Montmayer (Ed.), *Advances in adolescent development: Vol. 6*.
8. Lee. C. (2002). **Self efficacy and behavior as predictors of subsequent Behavior an assertiveness program**. Behavior Research and therapy. Vol: 21, pp:225-235.
9. Lazarus, R. S., & Folkman, s. (1984). **Stress, appraisal, and coping**. New York: Springer.
10. Sroufe, L. A., & Rutter. M. (1984). **The domain of developmental psychopathology**. Child development, 55, 17-29.
11. Winter, M. G., & Yaffe, M. (2000). **First- year students' adjustment to university life as a function of relationship with parents**. Journal of adolescent research. Vol: 15, pp: 9-37.